

دقترچہ می دعای اوتار مہربا



ہری پرمانا اللہ، اہور مزد، گادیزدان ہو

فهرست

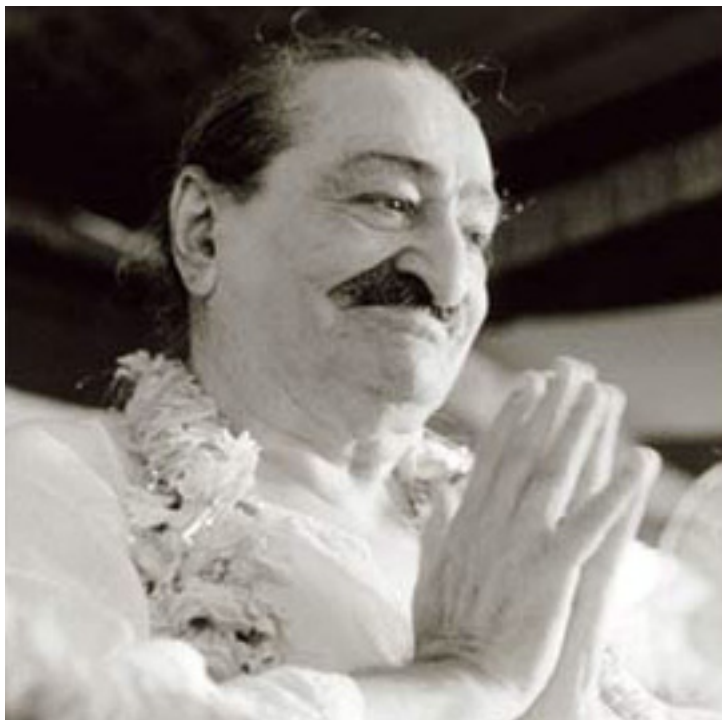
- ۱..... ستایش همگانی
- ۳..... توبه و درخواست آمرزش
- ۳..... دعا برای عاشقان مهربابا
- ۴..... مناجات مهرا
- ۴..... آرتی بوجاوی
- ۵..... آرتی بوجاوی (فارسی)
- ۶..... آرتی علی اکبر شاپور زمان یزدی (آلوبا)
- ۷..... مناجات کیخسرو افسری
- ۸..... Sacchidanand
- ۸..... Buddhist Prayer
- ۸..... The Lord's Prayer
- ۹..... هفت نام خدا
- ۹..... دوازده راه برای یافتن من
- ۱۱..... هفت حقیقت مهربابا
- ۱۲..... خواست من
- ۱۳..... چگونه خدا را دوست بداریم
- ۱۴..... کلام مهربابا درباره‌ی زندگی جدید
- ۱۵..... پیام جهانی
- ۱۷..... The Australian Arti
- ۱۸..... The American Arti
- ۱۹..... Aadi Sachaytana
- ۲۱..... Jahaan kalpanaa

ستایش همگانی

(دیکنه شده توسط مهربابا - ۱۹۵۳)

پروردگارا! تویی پرورنده و تویی نگهبان.
نداری آغاز و انجام. نداری همتا و نه مانند.
بیرون از تصور و قیاسی و فهم ما نارسا به شناخت تو.
تویی بی‌رنگ و بی‌بیان، بی‌شکل و بی‌نشان و برتر از وهم و گمان.
تویی نامحدود و بیکران، نیستی ناپذیر جاودان، ماورای تصور و گمان.
تویی بخش ناشدنی و تویی نادیدنی، مگر به دیده‌ی دل باطنی.
تویی که همیشه بوده‌ای، همیشه هستی و همیشه خواهی بود.
تویی در همه جا و در همه چیز، و تویی آنسوی همه جا و همه چیز.
تویی در آسمان‌ها و در ژرف دریاها.
تویی آشکارا و نهان در همه‌ی طبقات و هم آنسوی طبقات.
تویی در عالم سه‌گانه و هم بالاتر از عالم سه‌گانه.
تویی بی‌نیاز و برتر از توانایی ادراک.
تویی آفریدگار، خداوند خداوندان و دانای رازهای نهان،
از دیدگان پنهان و در دل‌ها عیان.
تویی توانای کل و در همه حال و همه جا حاضر و ناظر.
تویی دانش بیکران، نیروی بیکران و سرور بیکران.
تویی دریای معرفت، دانای مطلق و دانش بیکران،
دانای از گذشته، حال و آینده و تویی خود دانش و سرچشمه معرفت.
تویی بخشاینده کل، سرور کاینات و خیرخواه جاودان.
تویی جان جانان و دارای صفات جاودان.
تویی بانشان و بی‌نشان.
تویی ذات سه‌گانه راستی، معرفت و سرور.

تویی سرچشمه حقیقت و اقیانوس مهر و محبت.
تویی یگانه قدیم و برترین برتر.
تویی پرابهو، پر مشور.
تویی آنسوی خدا بلکه آنسوتر.
تویی پربرهما، الله، الهی، یزدان، اهورامزدا، خداوندگار محبوب.
نامت ایزد و تنها تویی شایسته پرستش.



توبه و درخواست آمرزش

(دیکنه شده توسط مهربابا - ۱۹۵۲)

پروردگارا، بخشایشگرا
از هر گناه و اندیشه ناپاک ناروا و نادرست خود و گفتارهایی که نبایست به
زبان آورد و اعمالی که نبایست از ما سر زند پشیمانیم و آمرزش می‌طلبیم.
از کردار و گفتار و اندیشه‌ای که ناشی از خودخواهی و از کردار و گفتار و
اندیشه‌ای که ناشی از کینه، فساد و نفرت بوده توبه می‌نماییم.
به ویژه از خیالات نفسانی و کردارهای شهوانی و دروغ و تزویر و روی
و ریا و پیمان‌های شکسته و بدگویی‌ها و غیبت که مرتکب شده‌ایم،
شرمنده‌ایم و توبه می‌نماییم.
به خصوص از کردارهایی که سبب زیان و خرابی دیگران گشته و گفتار و
کرداری که باعث آزرده‌گی خاطر دیگران شده و هر خواهشی که سبب اندوه
و درد دیگران گشته، شرمنده‌ایم و توبه می‌نماییم.
خداوندگارا از رحمت بیکرانت خواستاریم تمام گناهایی که از ما سر زده
ببخشایی و از غفلت دایمی خود از پیروی رضایت تو در اندیشه و گفتار و
کردار ما را بیامرزی.

دعا برای عاشقان مهربابا

(دیکنه شده توسط مهربابا - ۱۹۵۹)

خداوندگار محبوب
همه‌ی ما را یاری فرما تا تو را بیشتر و بیشتر، بیشتر و بیشتر و باز هم
بیشتر دوست بداریم تا شایسته‌ی وصال تو گردیم و همه‌ی ما را یاری فرما
تا دامن بابا را تا به آخر محکم نگاه داریم.

مناجات مهرا

بابای عزیز همه ما را یاری فرما
که لایق عشق بس پرارزش شما بشویم
ما را یاری فرما که شما را
بیشتر و بیشتر دوست بداریم
از طریق اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک
و ما را یاری فرما که رضایت شما را
از طریق همیشه شما را در خاطر داشتن
کسب نماییم
اوتار مهربابا کی جی

آرتی بوجاوی

بوجاو نار جهلت نی ا کار خودا راتن فرما تو،
چه لاگی آشی بکنن کبکش نور ایما تو.
اپا مرشد مهربابا چر ناپر توج ندری سر.
خدانا ذاتتی واگ فته بی بهه تو مهربا تو.
تو چه ما لیک حکیکتن، تو عاشک بین عارف بی،
تو چه دری یای وحدت مار فتن، هبی تو فا تو.
همره راون ای سالک بخاشج گیان ایزدنو،
ک تو پر ماتما، گیانی چنه موخ تی آر ایرفا تو.
خدانا پرمن پیال پی لاوی مست همن گر،
چه توجه پره، جان سدک ساکیا آ، پی د پیما تو.
هماری ناوه بر دری ا تراو، تو همه تری ا.

(هَمَارَا نَاخْدَاهِ مَهْرِبَابَا، چِه نِي گِه بَان تَو.) ۲
بوجاو نار جَهْلَت نِي ا کارِ خودا رَاتِن فرما تَو،
چِه لاگی آئِن بَكْتِن کِبکَش نُوَر اِيْمَا تَو.

آرتی بوجاوی (فارسی)

به قدرت الهی دستور بده تا بلکه آتش جهلمان را خاموش گرداند
عاشقانت آرزو دارند که نور ایمان را به آنان ارزانی داری
ای مرشد ما، مهریابا، ما سرهایمان را بر روی پای تو قرار می دهیم
یا مهریابا، تو کاملاً از ذات الهی واقف و آگاه هستی.
تو خدا و حقیقت هستی، تو در آن واحد هم عاشق و هم معشوق می باشی
تو دریای وحدتی و به راستی طوفانی از دانش بیکران الهی می باشی
ای سالک، دانش الهی را به ما رهروان ارزانی دار،
زیرا تو صاحب دانش بیکرانی و خدا و مرشد خود دانش الهی می باشی
جامی از عشق الهی را به ما بده تا بنوشیم تا مست و از خود بی خبر گردیم
ساقیا، جانمان را قربان و فدایت می کنیم، این جام عشق را به ما بده.
اگر در میان اقیانوس، فقط تو کشتی ما را هدایت و به جلو برانی، سناور و
در مسیر باقی می مانیم
یا مهریابا، ای ناخدای کشتی ما، تو یار و نگهدار و ناجی ما هستی
به قدرت الهی دستور بده تا بلکه آتش جهلمان را خاموش گرداند،
عاشقانت آرزو دارند که نور ایمان را به آنان ارزانی داری.

آرتی علی اکبر شاپور زمان یزدی (آلوبا)

۱۳۵۰/۳/۲۸

مهربابا مظهر حق ، مالک و پروردگار
پاک یزدانی خدا انسان، تویی آمرزگار
تو زراتشت، رام، عیسی و محمد هم تویی
ایزدی دادار اهورمزد، خالق لیل و نهار
هستی مسجود ملایک، باشی معبود بشر
در کلیسا و کنشند عاشقانت بی قرار
می ستاییم، می پرستیم، ما تو را از جان و دل
بوسه زن بر آستانت، ما شب و روز بار بار
تو چراغ مهر و ایمان در دل و جانمان فروز
تا ز تو روشن شویم و راهیاب ای نامدار
ای خدا انسان تو اعمال بد ما را بسوز
جز تو نبود دیگری ما را یار و غمگسار
دیده حق بین بده، بینیم جمال اصلیت
چشم جسمی را نباشد طاقت دیدار یار
ذره ای از نور تو جانا! اگر تا بد به دل
تابش دلمان کند خورشید عالم شرمسار
بندگی و آرتیمان را ز لطف خود پذیر
ما ثناخوان تویم در هر مکان و هر دیار
کی توانیم، ما ستاییمت، خدای مهربان!
آنچه در شأن تو گفتیم، یک بود اندر هزار (۲)

مناجات کیخسرو افسری

۱۹۳۳

ایا مرشد مهر بابا که هم روحی و هم جانی
تویی در جسم انسانی ولی محبوب سبحانی
تویی اول، تویی آخر، تویی فانی و هم باقی
تویی سرچشمه حیوان و بحر عشق یزدانی
تویی ظاهر، تویی باطن، تویی در جان و هم در تن
تو در هر ذره ای پیدا، ولی از دیده پنهانی
تویی عاقل، تویی فاضل، تویی کامل، تویی عارف
تویی رهبر، تویی سالک، تویی استاد روحانی
تویی معشوق بی همتا، تویی آن گوهر یکتا
تویی مالک، تویی قادر، تو غفار گناهای
ز جام عشق و سرمستی، تو در ده جرعه ای ما را
که تا روز ابد ما را ز قید خویش برهانی
نجاتی بخش عالم را ز ضل و جهل و گمراهی
فروزان کن دل ما را ز نور حق و ایمانی
ز کبر و نخوت و غفلت، به قید تن گرفتاریم
ببخش آزادگی ما را از این زندان جسمانی
در این دریای ظلمانی ز نادانی به گردابیم
رهان تو کشتی ما را از این غرقاب طوفانی
به قید جسم و جان و دل، چو مرغ افتاده در دامیم
رسان از جسم و دل ما را به جان و وصل جانانی
به زیر بار عصیان، سر به زیر افکنده حیرانیم
دو دست معذرت بر در، به امید نکوشانی
شب و روزان به در گاهت، دعاگویان و نالانیم
که یارب از سر رحمت، نظر از ما نگردانی

Sacchidanand

Hindi Arti

(دیکنہ شدہ توسط مہربابا - ۱۹۵۹)

Sacchidanand, Parmanand Meherbaba Vigyanand

Buddhist Prayer

Buddham, sharnam, gachame

Dharmam, sharnam, gachame

Sangam, sharnam, gachame.

The Lord's Prayer

(Christian Prayer)

Our Father, who art in heaven

hallowed be thy Name, thy kingdom come,
thy will be done, on earth as it is in heaven.

Give us this day our daily bread

And forgive us our trespasses, as we forgive those
who trespass against us.

And lead us not into temptation, but deliver us from evil.
For thine is the kingdom, and the power, and the glory,
for ever and ever.

Amen.



هفت نام خدا

هری پرما تما الله اهورمزد، گاد یزدان هو

دوازده راه برای یافتن من

اشتیاق: اگر شما همان اشتیاق و تشنگی را برای وحدت با من داشته باشید که یک شخص گرما زده بعد از گذراندن روزهای پی در پی در گرمای آفتاب صحرای آفریقا، برای یک جرعه آب دارد آن هنگام مرا خواهید یافت.

آرامش ذهن: اگر سکون یک دریاچه منجمد را داشته باشید مرا خواهید یافت.

تواضع: اگر تواضع و فروتنی خاک را داشته باشید که اجازه می‌دهد به هر شکلی در بیاورندش آن هنگام مرا خواهید یافت.

بیقراری: اگر همان بیقراری را داشته باشید که شخص را به خودکشی وامی‌دارد و احساس کنید که بدون دیدن من نمی‌توانید زندگی کنید آن هنگام مرا خواهید یافت.

ایمان: اگر شما همان ایمان را به من داشته باشید که کلیان به مرشد خود داشت (چنانچه روز را شب می‌دید زیرا مرشدش چنین گفته بود) آن هنگام مرا خواهید یافت.

وفاداری: اگر همان وفاداری را داشته باشید که نفسستان در همراهی با شما دارد به طوری که بدون اینکه شما دایما احساسش کنید تا آخرین لحظه‌ی زندگی هم در شادی و هم در عذاب شما را همراهی می‌کند و بر شما بر نمی‌خیزد آن هنگام مرا خواهید یافت.

کنترل از طریق عشق: هنگامی که عشق شما نسبت به من شهوت شما را برای چیزهایی که در حواستان آرزو می‌کنید ریشه کن نماید آن هنگام مرا خواهید یافت.

خدمت بدون انتظار: اگر در خدمت بدون انتظار چنان باشید که تحت تاثیر نتیجه‌ها واقع نگردید، مانند آفتاب که بر همه خلقت نور می‌فشانند، بر سبزه‌زارها و مزرعه‌ها، بر مرغان هوا و حیوانات جنگل بر همگی انسان‌ها چه گناه‌کار و چه پرهیزکار و چه ثروتمند و چه گدا، بدون این که کوچکترین فکری در این باره داشته باشد که آنان درباره‌اش چه می‌اندیشند آن هنگام مرا فتح خواهید کرد.

ترک و انکار: اگر به خاطر من همه‌ی خواسته‌های مادی، فکری و روحانی را ترک کنید آنگاه من از آن شما خواهم بود.

اطاعت: اگر اطاعت شما خودسر، کامل و طبیعی باشد چنان که نور به چشمان و رایحه به دماغ طبیعی است آنگاه با من یکی می‌گردید.

تسلیم و رضا: اگر شما همچون شخصی که از مرض بی‌خوابی رنج می‌برد و بدون ترس گم شدن خود را به بی‌خوابی ناگهانی می‌سپارد، خویشتن را به طور کامل و با تمام وجود به من تسلیم نمایید آنگاه من از آن شما خواهم بود.

عشق: اگر شما آن عشقی را به من داشته باشید که فرانسویس به عیسی داشت آنگاه نه تنها مرا خواهید یافت بلکه مرا خوشنود خواهید یافت.

هفت حقیقت مهر بابا

وجود، عشق، ایثار، کناره گیری، دانش، کنترل و تسلیم

مهر بابا اهمیتی برای فرقه‌های مذهبی، اصول فلسفی، سیستم‌های مسلکی و انجام تشریفات و رسوم دینی قایل نیست بلکه او برای درک هفت حقیقت زیر اهمیت قایل است :

۱- تنها وجود حقیقی، هستی خداوند یکتا و واحد است که خود حقیقی هر نفس محدود می باشد.

۲- تنها عشق حقیقی، محبت برای خداوند لایتناهی است که اشتیاقی شدید برای مشاهده، شناخت و وحدت با این حقیقت یعنی خدا به وجود می آورد.

۳- تنها ایثار حقیقی، آن است که به دنبال این عشق همه چیز، بدن، فکر، مقام، رفاه و حتی خود زندگی هم فدا گردد.

۴- تنها کناره گیری حقیقی، آن است که حتی در حین انجام وظایف دنیوی از تمامی افکار و آرزوهای خودخواهانه دوری شود.

۵- تنها دانش حقیقی، این دانش است که خداوند در ضمیر افراد خوب و بد، اولیا و گناه کاران موجود است. این دانش مستلزم این است که چنانچه موقعیت ایجاد کند به طور مساوی بدون انتظار پاداش به همه کمک کنید و اگر مجبور

شدید که در مشاجره ای شرکت کنید بدون کوچکترین اثری از دشمنی یا نفرت عمل نمایید. با احساس برادرانه و خواهرانه نسبت به هم‌نوع در خوشبخت نمودن آنها کوشا باشید و با پندار، گفتار و کردار به کسی آزار نرسانید حتی به آنهایی که به شما آزار می رسانند.

- ۶- تنها کنترل حقیقی، جلوگیری نفس از غرقه شدن در امیال پست است که تنها راه پاک شدن کامل شخصیت است.
- ۷- تنها تسلیم حقیقی، آن است که سکون توسط هیچ موقعیت نا مساعدی بهم نخورد و فرد در میان همه نوع مشقات با آرامش کامل به مشیت خداوند تسلیم باشد.

خواست من

- عاشق باید خواست معشوق را به جای آورد. خواست من از عاشقانم از این قرار است:
- ۱- از مسئولیت‌های خود شانه خالی نکنید.
 - ۲- صادقانه به وظیفه‌های دنیوی خود پردازید، اما همیشه در خاطر داشته باشید که همه‌ی آنها به بابا تعلق دارد.
 - ۳- وقتی خوشحال هستید، فکر کنید: «بابا می‌خواهد من خوشحال باشم.» وقتی در عذابید، فکر کنید: «بابا می‌خواهد من در عذاب باشم.»
 - ۴- خود را تسلیم هر موقعیتی نمایید و صادقانه و صمیمانه فکر کنید که: «بابا مرا در این موقعیت قرار داده است.»
 - ۵- با این درک که بابا در همه هست، سعی کنید به دیگران کمک و خدمت کنید.
 - ۶- من با قدرت الهی خود به همه می‌گویم که هر که در نفس‌های آخر نام مرا به زبان آورد، نزد من می‌آید. اگر از هم‌اکنون مرا به خاطر نسپارید، با فرا رسیدن لحظه‌ی آخر برایتان مشکل خواهد بود که مرا در یاد داشته باشید. باید از هم‌اکنون تکرار نام مرا آغاز کنید؛ حتی اگر روزی یک بار نام مرا ببرید، در لحظه‌ی مرگتان مرا فراموش نخواهید کرد.

چگونه خدا را دوست بداریم

عملی ترین راه دوست داشتن خدا آن است که هم‌نوع خود را دوست بداریم.

اگر احساسات ما نسبت به دیگران همان احساسی باشد که به عزیزان خود داریم خدا را دوست می‌داریم. اگر به جای عیب جویی از دیگران به درون خویش بنگریم خدا را دوست می‌داریم.

اگر به جای غارت دیگران برای کمک خود، خویشتن را غارت کرده، به دیگران کمک کنیم خدا را دوست می‌داریم. اگر از مصایب دیگران مصیبت زده شده و از خوشبختی دیگران احساس خوشبختی نماییم خدا را دوست می‌داریم.

اگر به جای نگرانی از بدبختی خود، خویشتن را خوشبخت‌تر از بسیاری مردم دیگر بدانیم خدا را دوست می‌داریم.

اگر سرنوشت و قسمت خود را با صبر و قناعت تحمل کرده و آن را خواست خدا بدانیم خدا را دوست می‌داریم. اگر بفهمیم و احساس کنیم که بهترین عبادت و پرستش خدا، آسیب و آزار نرسانیدن به آفریده‌های اوست خدا را دوست می‌داریم.

برای اینکه بتوانیم خدا را آن طوری که باید دوست داشته شود دوست بداریم می‌بایستی برای او زیست و برای او مرد و دانست که هدف زندگی عشق به خدا و یافتن او در خویشتن است.

کلام مهربابا درباره‌ی زندگی جدید

(۱۶ اکتبر ۱۹۵۰)

این زندگی جدید را پایانی نیست و حتی پس از مرگ جسمانی من زنده باقی خواهد ماند؛

توسط آنها که در زندگی خود دروغ، نفرت، خشم، حرص و شهوت را به نحو کامل ترک گفته‌اند.

توسط آنها که در نیل به آن، اعمال شهوانی از ایشان سر نمی‌زند، به کسی آزار نمی‌رسانند، غیبت نمی‌کنند و دارایی یا قدرت مادی نمی‌خواهند. توسط آنهايي که تعظیم و تکریم را پذیرا نیستند، نه در پی جاه و مقامند، نه از بد نامی می‌هراسند و نه اینکه از کسی یا چیزی می‌ترسند.

توسط آنها که تکیه‌گاشان فقط و فقط خداست؛ آنها که خدا را تنها به خاطر دوست داشتن دوست می‌دارند؛ آنها که به عاشقان خدا و حقیقت‌ظهور معتقدند و در عین حال انتظار پاداش معنوی یا مادی ندارند.

آنها که دست حقیقت را رها نمی‌سازند و آنها که بدون ناراحتی از فاجعه‌ها، شجاعانه و از صمیم دل با تمام مشکلات با صد در صد خوشرویی رو به رو می‌شوند و برای مراسم قومی، مسلکی و مذهبی هیچگونه اهمیتی قایل نیستند.

این زندگی جدید به خودی خود جاودانه زنده خواهد ماند، حتی اگر کسی به آن عمل نکند.

پیام جهانی

انسان اصول و احکامی را که در طی دوران ابدیت پایه گذاری کرده‌ام، نادیده انگاشته است. عجز بشر در پیروی از سخنان خدا، آموزش‌های اوتار(خدا- انسان دوره) را مضحکه قرار می‌دهد. به جای اینکه برابر آموزش‌هایش شفقت و مهربانی را به کار برد، به نام او به جنگ می‌پردازد. به جای اینکه بر اساس فروتنی، پاکی و راستی کلامش زندگی کند، به تنفر، آز و خشونت خو گرفته است.

چون بشر اصول و احکامی که به وسیله خدا در زمان‌های گذشته پایه‌گذاری شده است را ناشنیده انگاشته، در تجسم کنونی اوتاری، سکوت اختیار کرده‌ام. کلامی را که خواستارش بوده‌اید، به اندازه کافی دریافت کرده‌اید، اکنون زمان زندگی کردن بر اساس آنها است. برای نزدیکی بیشتر و بیشتر به خدا، باید بیشتر و بیشتر از به کار بردن واژه‌هایی همچون من، مال من، به من و مرا دوری کنید. نباید چیزی را ترک کنید، جز نفس خودتان را. به همین سادگی است، گرچه تقریباً محال به نظر می‌رسد. با نظر عنایتیم، ترک خودی محدودتان امکان‌پذیر است. من برای انتشار امواج همین عنایت آمده‌ام.

تکرار می‌کنم که آیین جدیدی را پایه‌گذاری نمی‌کنم. هنگام رهایی امواج حقیقت، که برای آرایه آن آمده‌ام، زندگی بشر به آیین زنده‌ای تبدیل می‌گردد و کلامی که به زبان نیاورده‌ام، در آنها جان می‌یابد. من خود را در پرده‌ی نادانی بشر پنهان می‌سازم و جلوه‌ام را تنها به تعداد کمی نمایان می‌سازم. تجسم اوتاری کنونی‌ام آخرین ظهور دوره فعلی است، به همین دلیل ظهورم نیرومندترین حالت را خواهد داشت. هنگام شکستن سکوت، تأثیر آن جهانی خواهد بود و تمامی جان‌های آفرینش آن را احساس و از آن بهره‌مند می‌شوند. نسبت به قابلیت افراد، به هر یک کمک خواهد کرد تا خود را از قید و بند خودساخته رها کنند. من آن محبوب

ربانی هستیم که عشقم به شما بیش از مهر خودتان بر خویشتن است.
شکستن سکوتم به شما کمک خواهد کرد تا به خود، در شناخت خودی
حقیقی تان کمک کنید.

آسفتگی و به هم خوردگی فعلی جهان اجتناب ناپذیر بود و کسی هم مقصر
نیست. آنچه باید پیش می‌آمد، پیش آمده و آنچه باید پیش آید، پیش
خواهد آمد. راه دیگری جز آمدن من در میان شما نبوده و نه هست. باید
می‌آمدم و اینک آمده‌ام. من یکتای قدیم هستیم.

گردهمایی و جلساتی که به نام من برگزار می‌شوند، باید واسطه‌ای برای
بیان عشق من باشند؛ هر گونه ارزش دیگری برای آنها قایل شدن، تعبیر
اشتباهی خواهد بود از مقصود و هدف من.

آنهایی که حقیقتاً مرا دوست دارند، مرکزهای من در روی زمین هستند.
بگذارید هر بابا دوست هر کجا که هست، تجسمی از کانون بابا باشد، پیام
عشق الهی را بگستراند و زندگی مملو از عشق، ایثار و صداقت را سپری
کند.

عشق قادر است همه چیز را تصاحب کند و عشق قادر است همه چیز را
فدا کند.

صداقت، شما را از تواضع کاذب حفظ می‌کند و به شما قدرت تواضع
حقیقی را عطا می‌کند.

کسی که به دنبال خشنود ساختن من است، گنج الهی را می‌یابد.

The Australian Arti

By Francis Brabazon

O glorious, eternal Ancient One
Your face is a bright, transcendental sun--
Lighten this dark world and the tears I weep;
My heart, Meher, I give to you to keep.

Creator, yet creationless you are--
Truth and Truth's Body, divine Avatar
Who, through compassion the three worlds maintains--
Destroy this ignorance that life sustains.

These five lights are the whirling spokes of breath
Of the worlds-wheel that bears me on to death
Unless you, who are infinitely kind
Break the wheel's hub which is conditioned mind.

This incense is my love, these fruits my art,
Which to please you I have shaped from my heart
Accept them as you would a simple flower
That has no use beyond its shining hour.
You are my Self, I sing to you in praise
And beg your love to bear me through the days
Till you, the Everliving Perfect One
Illume my darkness with your shining Sun.

The American Arti

How can one fathom your fathomless Being?
How can we know You we see with gross eyes?
A glimpse of Your shadow has blinded our seeing
How can Your glory e'er be realized?

Chorus

Consumed is my mind in Your fire and flame.
Accept it, Oh Meher in Oneness.
Consumed is my heart in the sound of Your Name.
Accept, Oh Meher my Arti.
Accept, Oh Meher my song.

Thought cannot reach You and word cannot speak You
Infinite Ocean of unending Bliss,
Though we beseech You, how can we seek You?
How can the finite know limitlessness?

Chorus

At Your command suns and stars give their light
What is the world's can I offer as 'mine'?
Even my gift of love would be naught in Your sight
But veiled reflection of Your Love Divine.

Chorus

You are the Ancient One, Lord of Creation.
How can we measure your true Majesty?
You are the Christ! The Divine Incarnation,
Dear Lord, please don't be indifference to me!

Chorus

You are beginning and end of all thing
'Tis You alone who assumes every role;
Sinners and saints, beggars and kings
You are the source, and You are the Goal.

Chorus

Repeat first verse

Aadi Sachaytana

Hindi Arti

Aadi Sachaytana shaanti nikaytana
namo Brahmo aao
Meher Prabhu arati apanaao
Meher Prabhu arati apanaao

Prema deepa may Diay jalaavoo
Nibida andhayraa mitataa paavoo
Apanaa suba koocha toomhay chadhaavoo

Tooma moojhko sarsaao
Meher Prabhu arati apanaao
Meher Prabhu arati apanaao

Jivana Ki hara saansa hamaari
Bana jaa-ay Prabhu gati toomhaari
Hay karoonaakara leelee-dhaari
Tooma kaaroonaa barsaao
Meher Prabhu arati apanaao
Meher Prabhu arati apanaao

Banay arati jeevana mayraa
Aadi anta-kaa laga ho ghayraa
Khoolay nayana aur dikhay savayraa
Tooma moojmay chaa jaao
Meher Prabhu arati apanaao
Meher Prabhu arati apanaao

Aadi Sachaytana shaanti nikaytana
namo Brahmo aao
Meher Prabhu arati apanaao
Meher Prabhu arati apanaao

Jahaan kalpanaa

Hindi Arti

Jahaan kalpanaa shabada na pahounchay
Aisay aparampaar
Neti neti veda pookaaray
Mahima tori apaar

Divya sanaatana Parama dayaaghana
Divya sanaatana Parama dayaaghana
Hay jagat oodhaaro

Meher mana arati sweekaaro
Meher mana arati sweekaaro

Dhoopa deepa chandana charachaanaa
Bhoga lagaanaa phoola chadhaanaa
Toomharaa hi tooma ko lowtaanaa
Kahay badhaaee karoo

Meher mana arati sweekaaro
Meher mana arati sweekaaro

Sakala nidhi kay tooma karana ho
Sakala vishva taaranhaaray ho

Tooma sama aura nahee toomahee ho
Hay sata Avataaro

Meher mana arati sweekaaro
Meher mana arati sweekaaro

Sakala charaachara toomharee maayaa
Maayaa bhi tow toomharee chhaayaa
Toomhara anta na koi paayaa
Tooma ho ananta kharo
Meher mana arati sweekaaro
Meher mana arati sweekaaro

Apnay ko jaba jo nahee jaanay
Mahimaa toomharee kyaa pahuchaanay
Jo koocha bhi kahtay anjaanay
Goonaa gaatay toomharo

Meher mana arati sweekaaro
Meher mana arati sweekaaro

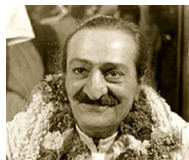
Seems naahee toomharee kroopa ko
Kyaa koi day saktaa Prabhoo toomko
Bheekha toomhee dow preeme janoko
Nitya toomay soomaro

Meher mana arati sweekaaro
Meher mana arati sweekaaro

Divya sanaatana Parama dayaaghana
Divya sanaatana Parama dayaaghana
Hay jagat oodhaaro

Meher mana arati sweekaaro
Meher mana arati sweekaaro

بخوانید مراتنا اجاست کنم شمارا



www.meherestan.com

گروه مهرستان